

اعتکاف و احکام آن (یکصد پرسش و پاسخ)

مشخصات کتاب

نام کتاب: اعتکاف و احکام آن (یکصد پرسش و پاسخ)

موضوع: فقه فتوایی

نویسنده: لنکرانی، محمد فاضل موحدی

تاریخ وفات مؤلف: ۱۴۲۸ ه ق

زبان: فارسی

قطع: جیبی

تعداد جلد: ۱

ناشر: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

تاریخ نشر: ۱۴۲۷ ه ق

نوبت چاپ: اول

مکان چاپ: قم - ایران

شابک: ۵-۴۵-۷۷۰۹-۹۶۴

محقق / مصحح: گردآورنده: علی عطایی خراسانی

اعتکاف و احکام آن

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «الحمد للّٰه ربّ العالمین و الصلاه و السّلام علی أشرف خلقه محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین». قال اللّٰه تبارک و تعالی: وَ عَهْدُنَا اِلَیْهِ اِبْرٰهَیْمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهَّرَا بَیْتِنَا لِلطّٰئِفِیْنِ وَ الْعٰکِفِیْنِ وَ الرُّکَّعِ السُّجُوْدِ. «۱» و ما از ابراهیم و (فرزندش) اسماعیل پیمان گرفتیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و

اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان (از هر پلیدی) پاک و پاکیزه کنید.»

(۱) سوره بقره، آیه ۱۲۵.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۸

اعتکاف عبادت است

اشاره

اعتکاف «۱» به معنای توقّف و ماندن در مسجد به قصد عبادت است؛ و قرآن، روایات، اجماع و عقل دلالت بر رجحان و عبادت بودن آن دارند.

(اقرآن)

الف) [آیة وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ]

«وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَ الرَّكَّعِ السُّجُودِ» «۲» «و ما از ابراهیم و اسماعیل (فرزندش) اسماعیل پیمان گرفتیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان (از هر پلیدی) پاک و پاکیزه کنید». این آیه مبارکه دلالت دارد بر این که طواف، اعتکاف، رکوع و سجود در یک سیاق و راستا بوده و محبوب

(۱) اعتکاف (افتعال) از واژه عَكَفَ است؛ و در اصل، به معنای محبوس ماندن و در

مکانی مقیم شدن و ملازم چیزی بودن است (مکث و لبث)؛ و در اصطلاح شرع، به معنای توقّف و ماندن در مساجد به قصد عبادت است.

(۲) سوره بقره، آیه ۱۲۵.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۹

و مطلوب پروردگارند؛ لذا، خداوند متعال دو پیامبر عظیم الشان خود، حضرت ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح علیهما السلام را بر مهیا نمودن و تطهیر بیت اللّٰه الحرام برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان مأمور می کند.

(ب) [آیة وَا لَّا تُبَاشِرُوهُنَّ وَا نْتُمْ عَاكِفُونَ فِی الْمَسَاجِدِ]

«وَلِئَلَّا تُبَاشِرُوهُنَّ وَا نْتُمْ عَاكِفُونَ فِی الْمَسَاجِدِ» (۱) و با زنان آمیزش نکنید در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید. این آیه نیز رجحان و عبادت بودن اعتکاف را می فهماند، و در مطلوب بودن آن ظهور دارد.

(۲) روایات

روایات بسیاری بر رجحان و عبادت بودن اعتکاف دلالت دارد که از باب نمونه به چند روایت اشاره می کنیم: الف) امام صادق علیه السلام از پدران گرامی اش علیهم السلام نقل کرده

(۱) سورة بقره، آیه ۱۸۷.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۰

است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

«إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»

«۱»؛ ده روز اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است. علاوه بر روایات،

سیره و عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز بر این بوده که در ماه مبارک رمضان، به خصوص دهه آخر آن، در مسجد معتکف می شدند؛ این عمل پیامبر، عبادت بودن آن را به روشنی می رساند. «۲» (ب) از دیگر روایاتی که عبادت بودن اعتکاف را

ثابت نموده و مطلب مهمتری را نیز می رساند، روایت ذیل است: عن ابن مهران قال:

كنت جالسا عند الحسن بن علي عليهما السلام فأتاه رجل فقال له: يا بن رسول اللّٰه

صلی الله علیه و آله و سلم إنّ فلاناً له علیّ مالٌ و یرید أن یحبسنی. فقال علیه السلام: و اللّٰهُ ما

(۱) وسائل الشیعه، کتاب الاعتکاف، باب ۱، ح ۳.

(۲) برخی روایات مربوط به اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب

«وسائل الشیعه»، کتاب الاعتکاف، باب ۱، موجود است.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۱

عندی مال فأقضى عنك. قال: فكلّمه. قال: فلبس نعله؛ فقلت له: يا بن رسول اللّٰهُ صلی الله علیه و آله و سلم أنسیت اعتکافک؟ فقال علیه السلام: لم أنس، و لكنی سمعت أبا یحدّث عن جدّی رسول اللّٰهُ صلی الله علیه و آله و سلم أنّه قال: من سعی فی حاجة أخیه المسلم فکأنما عبد اللّٰهُ عزّ و جلّ تسعة آلاف سنة صائماً نهاره و قائماً ليله». ابن مهران می گوید: امام مجتبی علیه السلام اعتکاف کرده بودند که مردی خدمت حضرت آمد و گفت: ای پسر رسول خدا، من به فلان شخص بدهکارم و توان پرداخت ندارم، و می خواهی مرا به زندان بیفکند. امام مجتبی علیه السلام فرمودند: سوگند به خدا نزد من مالی وجود ندارد که بدهی تو را پردازم. آن مرد گفت: پس با او صحبت کن (واسطه بشو). ابن مهران گوید: حضرت کفشش را پوشید که از مسجد خارج شود، به آن حضرت عرض کردم:

ای پسر رسول خدا، آیا فراموش کرده اید که در حال اعتکاف به سر می برید (و معتکف نباید از مسجد خارج شود)؟ فرمود: فراموش نکرده ام، ولی از پدرم شنیدم که

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۲

از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث کرد که فرمود:

هرکس در برآوردن حاجت برادر مسلمانش کوشش کند، مثل این است که خداوند را به مقدار نه هزار سال که روزهایش را روزه گرفته و شبهایش را به عبادت ایستاده

باشد، عبادت کرده باشد. «۱» روایت فوق، علاوه بر این که عبادت بودن اعتکاف را می‌رساند، بیانگر اهمّیت برآوردن حاجت مسلمان نیز می‌باشد.

(۳) اجماع

دلیل دیگر بر عبادت بودن اعتکاف، اجماع و اتفاق نظر همه مسلمانان است که هم آن را گفته‌اند و هم بدان عمل کرده و عمل می‌کنند.

(۴) عقل

دلیل دیگر، حکم عقل است که ماندن و توقّف در خانه

(۱) وسائل الشیعه، ابواب اعتکاف، باب ۷، حدیث ۴.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۳

محبوب را از مهمترین آرزوهای حیب می‌داند. حیب امیدوار است که از افاضات محبوب بهره‌مند و از توجّهات و کرامات او بیشتر استفاده نماید. چرا چنین نباشد؟ و حال آن که ملاحظه شد خداوند متعال به خلیل خود حضرت ابراهیم علیه السلام امر نمود که خانه‌اش را برای اعتکاف کنندگان تطهیر نماید؛ و با چنین دستوری، آیا هیچ عاقلی احتمال ردّ و ناامید کردن معتکف را می‌دهد؟ هرگز، هرگز، مخلوقی که خانه‌اش را برای واردین مهیا می‌کند، کسی را از درب آن ردّ نمی‌کند، تا چه رسد به ربّ العالمین.

احکام و اقسام اعتکاف

اعتکاف در اصل عملی مستحبّ است و با نذر، قسم، عهد و یا اجاره واجب می‌شود (به لحاظ این که عمل به نذر، قسم، عهد و اجاره واجب است)؛ اما اعتکافِ زن اگر با حقّ شوهر منافات داشته باشد، حرام است؛ و همچنین اعتکاف فرزند در صورتی که موجب

اذیت پدر و مادر گردد، حرام می‌باشد.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۴

مقدار اعتکاف

اعتکاف به مقدار کمتر از سه روز صحیح نیست، ولی زیادتر از سه روز مانعی ندارد؛ هر چند مقدار زیادتر، یک روز، یا نصف روز، یا یک شب و یا نصف شب باشد. یادآور می‌شوم: بعد از آن که شخص مسلمان دو روز در مسجد معتکف شد، اعتکاف روز سوّم واجب می‌شود؛ هر چند اصل آن مستحبّ بوده باشد؛ و اگر به مدّت پنج روز در اعتکاف ماند، اعتکاف روز ششم واجب می‌شود؛ و اگر هشت روز معتکف شدند، اعتکاف روز نهم واجب می‌شود. بلی، چنانچه اعتکاف مستحبّ باشد، می‌توانند در روز اوّل و دوم تا قبل از مغرب، از ادامه آن صرف نظر کنند و نیت قطع اعتکاف کنند؛ اما اگر روز دوّم را تا مغرب به قصد اعتکاف در مسجد توقّف نمودند، اعتکاف روز سوّم بر شخص واجب می‌شود.

شرط بهم زدن اعتکاف

کسانی که قصد اعتکاف دارند، می‌توانند در حین نیت اعتکاف، شرط کنند که در ایّام اعتکاف، هر زمانی که

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۵

خواستند اعتکاف خود را بهم بزنند؛ هر چند روز سوّم باشد و عذر و عارضه‌ای پیش نیاید، به عنوان مثال: هنگام نیت در روز اوّل بگویند: «لَلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَعْتَكِفَ بِشَرَطٍ أَنْ يَكُونَ لِي الرَّجُوعُ عِنْدَ غُرُوضِ كَذَا، أَوْ مُطْلَقًا». یا به فارسی بگویند: «برای خدا بر عهده من است که برای خدا اعتکاف کنم، به شرط این که اگر فلان عارضه و فلان عذر برایم پیش آمد، یا هر چند عارضه و عذری برایم پیش نیاید، بتوانم اعتکاف خود را بهم

بزخم و از ادامه آن صرف نظر کنم». با چنین شرطی، افراد هر وقت مایل بودند می توانند اعتکاف خود را بهم بزخم و روزه خود را افطار نمایند و اگر خواستند، از مسجد خارج شوند، هر چند روز سوّم باشد؛ و در این صورت، قضا نیز واجب نمی باشد. بلی باید این شرط هنگام نیت ذکر شود و در صورتی که قبل یا بعد از آن بگویند، اثری ندارد.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۶

مکان اعتکاف

یکی از شرایط صحّت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد و در صورت امکان احتیاط، این است که افراد در مسجد الحرام، یا مسجد النبی، یا مسجد کوفه و یا مسجد بصره اعتکاف کنند. مسجد جامع - اعمّ از مساجد شهر و روستا - مسجدی است که در آن عموم مردم رفت و آمد دارند و اجتماعات عمومی در آن زیاد است و به صورت مرتّب در آن مسجد با حضور قشرهای مختلف مردم، نماز جماعت برپا می شود و اختصاص به گروه خاصی ندارد؛ در طول سال دایر، و رفت و آمد در آن جریان دارد. در غیر مسجد جامع - مانند: مسجد بازار - اعتکاف صحیح نیست؛ و در صورتی که در شهری دو مسجد جامع یا بیشتر وجود دارد، افراد می توانند برای اعتکاف، هر کدام از آنها را که مایل بودند، انتخاب کنند؛ ولی انتخاب آن که بیشتر محلّ عبادت مردم باتقوا و با ورع است و یا جمعیت نماز جماعتش زیادتر است، رجحان دارد.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۷

شرایط صحت اعتکاف

۱- ایمان؛ ۲- عقل؛ ۳- قصد قربت؛ (که اگر از روی ریا اعتکاف کنند، یا قسمتی از آن را ریایی انجام دهند، باطل می شود؛ و در این جهت، اعتکاف با نماز فرقی ندارد.) ۴- نیت اعتکاف و توقّف در مسجد قبل از طلوع فجر (قبل از اذان صبح) تا مغرب روز

سوّم؛ و تعیین کنند که اعتکافشان واجب است (که با نذر یا غیر آن واجب شده) و یا مستحبّ. ۵- روزه گرفتن در ایّام اعتکاف؛ ۶- این که اعتکاف از سه روز کمتر نباشد؛ و اگر کمتر از سه روز نیت کنند، اعتکاف باطل است؛ و افراد می توانند بیشتر از سه روز را برای معتکف شدن نیت کنند، به تفصیلی که قبلاً بیان شد. ۷- در مسجد جامع باشد؛ ۸- روزهای اعتکاف را باید بطور مستمرّ در مسجد توقّف کنند و نباید از مسجد خارج شوند، مگر برای کاری اعتکاف و احکام آن، ص: ۱۸ ضروری؛ آن هم اگر طولانی شود به طوری که صورت اعتکاف بهم بخورد، اعتکاف باطل می شود.

زمان اعتکاف

اعتکاف در تمام روزهای سال صحیح است، جز روز عید فطر و قربان که روزه گرفتن در این دو روز حرام است. افضل اوقات اعتکاف ماه رمضان، به خصوص دهه آخر آن می باشد. در روایات ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همیشه در ماه رمضان و در دهه آخر آن اعتکاف می فرمودند. «۱» اما اینکه مرسوم شده در خصوص ایّام البیض ماه رجب، اعتکاف می کنند، ظاهراً وجه آن روایتی است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سیّد بن طاوس قدس سرهم نقل فرموده اند؛ و ما در این رابطه، عبارات «زاد المعاد» علامه مجلسی قدس سره را که در ضمن اعمال ماه رجب مرقوم فرموده است، می آوریم.

(۱). ر. ک: وسائل الشیعه، باب ۱ از ابواب اعتکاف.

عمل امّ داود

علامه مجلسی قدس سرّه فرموده است: و بدان که عمده اعمال نیمه رجب، دعای امّ داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس رحمهم الله به سندهای معتبر آن روایت کرده‌اند؛ و برای برآمدن حاجات، کشف کربات و دفع ظالمان مجرب است. خلاصه روایاتش آن است که فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزاده امام حسن مجتبی علیه السلام و دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آن حضرت را به شیر داود شیر داده بود، چنین نقل می‌کند چون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرده، منصور دوانیقی لشکر فرستاد؛ او و برادرش ابراهیم را شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه به عراق بردند که داود نیز در میان ایشان بود. امّ داود گفت: چون مدتی از حبس فرزند من گذشت و از او خبری به من نرسید، پیوسته دعا و تضرع می‌کردم و از صلحا، نیکان و برادران مؤمن استدعای دعا می‌نمودم، ایشان نیز تقصیر نمی‌کردند؛ لکن مطلقا اثر استجابت اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۰

نمی‌یافتم. گاه خبر به من می‌رسید که داود را کشته‌اند و گاه می‌گفتند که او را با پسر عموهایش در زیر عمارت، زنده گذاشته‌اند؛ روز به روز، مصیبت من زیادت‌تر و اندوه من بیشتر می‌شد، تا جائی که از غم او گداختم و پیر شدم و از ملاقات او ناامید گردیدم. تا آن که شنیدم حضرت صادق علیه السلام را علّتی عارض شده است. به عیادت آن حضرت رفتم، احوال گرفتم و دعا کردم؛ چون خواستم برگردم، حضرت فرمودند: از داود چه خبر داری؟ و من شیر داود را به آن حضرت داده بودم. چون نام داود را شنیدم، گریستم و عرض کردم: فدای تو شوم، داود کجاست؟! او در عراق محبوس بوده و من از ملاقات او قطع امید کرده‌ام؛ و از شما التماس دعا دارم که او را دعا کنید؛ او برادر رضاعی شماست. حضرت فرمودند: چرا غافل از دعای افتتاح و دعای

اجابت و نجاج؟، و آن دعائی است که درهای آسمان برای آن گشوده می‌شود و ملائکه از خواننده آن استقبال نموده و او را به اجابت دعایش بشارت می‌دهند. دعائی که از مجیب الدعوات محجوب نمی‌گردد و خواننده آن را به غیر اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۱

از بهشت، ثوابی نیست. امّ داود عرض کرد: ای فرزند طاهرین و راستگویان، آن دعا چیست؟ حضرت فرمودند: ای مادر داود! ماه محترم یعنی ماه رجب، نزدیک شده و آن ماهی است مبارک و محترم، و حرمت آن عظیم، و دعاها در آن مستجاب است؛ و چون آن ماه در آید، روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم آن را که ایام البیض اند، روزه بدار. پس، حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود:

این دعا را حفظ کن و به همه کس تعلیم مکن که می‌ترسم به دست کسی افتد که از برای امر باطل و نامشروعی این دعا را بخواند. به درستی که این دعا بسیار شریف بوده و مشتمل است بر اسم اعظم خدا و هر که آن را بخواند، البته حاجت او برآورده می‌شود؛ و اگر درهای زمین و آسمان، همه بسته شود یا درها، میان تو و حاجت حایل باشند، چون این دعا را بخوانی، البته حق تعالی رسیدن تو را به مطلب آسان می‌گرداند، و حاجت تو را برمی‌آورد. هر که این دعا را بخواند، خداوند آن را مستجاب اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۲

می‌گرداند، خواه مرد باشد و خواه زن؛ و اگر جنّ و انس همه دشمن فرزند تو باشند، خداوند قادر، کفایت شرّ دشمنان از او می‌کند و زبان ایشان را می‌بندد و ایشان را منقاد فرزند تو می‌گرداند. امّ داود گفت: حضرت این دعا را برای من نوشت و به خانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد، آنچه حضرت فرموده بود، به عمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نموده، قدری عبادت کردم و به خواب رفتم. در خواب جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبّاد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم دیدم. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا خطاب

فرمود: ای مادر داود! بشارت باد تو را، این جماعت را که می‌بینی، همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از برای تو طلب آموزش می‌کنند؛ و بشارت می‌دهند تو را به آن که حاجت برآورده شده است؛ پس، بشارت دهند تو را به آموزش خدا و خشنودی خدا؛ و خدا تو را جزای خیر دهد؛ شادباش، که حقّ تعالی فرزند تو را حفظ می‌کند و به تو برمی‌گرداند.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۳

امّ داود گفت: من از خواب بیدار شدم و بعد از آن، به آن قدر زمان که سوار تندروی از عراق به مدینه آید، داود به نزد من آمد و گفت: ای مادر! من در عراق در زندان بسیار تنگ و سنگینی، در بند و زنجیر بودم و از خلاص شدن ناامید بودم؛ چون شب نیمه ماه رجب فرا رسید، در خواب دیدم که بلندی‌های زمین هموار گردید و تو را دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهایشان در زمین، و تسبیح و تنزیه خدا می‌کردند؛ پس، یکی از ایشان که از همه خوش‌روتر و خوشبوتر بوده، و جامه‌های بسیار پاکیزه در برداشت، و گمان کردم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم، جدّ من است، به من خطاب کرد: بشارت باد تو را ای فرزند عجزه صالحه که حق تعالی دعای مادرت را در حقّ تو مستجاب کرد. چون بیدار شدم، فرستادگان منصور دوانیقی به در زندان رسیده، به طلب من آمده بودند؛ در نیمه شب مرا به نزد او بردند؛ پس امر کرد که زنجیرها را از تن من برداشتند و ده هزار درهم - که به حساب آن زمان زیاده از هزار تومان

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۴

بوده - به من عطا کرد و دستور داد که مرا بر شتر راهوار سوار کنند و به نهایت سرعت به مدینه بیاورند. امّ داود گفت: من داود را به خدمت حضرت صادق علیه السلام بردم.

حضرت فرمود: سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود:

فرزند مرا رها کن؛ و اگر نکنی، تو را در این آتش می‌اندازم؛ چون نظر کرد، دریای آتشی در زیر پای خود دید. پس از آن که از خواب بیدار شد، از کرده خود پشیمان گردید و تو را رها کرد. کیفیت این عمل شریف امّ داود گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمود: روز سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال (ظهر شرعی) غسل کن...؛ و به روایت دیگر، نزدیک به زوال، غسل کن؛ و چون زوال شد، پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به خانه خلوتی برو و سعی کن که کسی به نزد تو نیاید تا تو را مشغول گرداند و با تو سخن بگوید. ابتدا هشت رکعت نماز نافله زوال را به عمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب به عمل آور... ادامه

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۵

اعمال و دعاها در «مفاتیح الجنان» ضمن اعمال نیمه رجب آمده است، به آنجا مراجعه شود. «۱» یادآوری در این روایت نیامده است که حضرت فرموده باشند این اعمال در مسجد و در حال اعتکاف انجام شود؛ بنابراین، کسانی که از اعتکاف معذور هستند و یا برای آنها مشکل است، طبق این روایت می‌توانند عمل امّ داود را در غیر مسجد و در غیر حال اعتکاف بجا آورند؛ و حتی (مثلاً) می‌توانند فقط سوّمین روز آن ایّام که نیمه رجب است، در مسجد حاضر و اعمال را در مسجد، همراه اعتکاف کنندگان انجام دهند؛ إن شاء الله به حاجاتشان می‌رسند.

محرّمات حال اعتکاف

پنج چیز بر معتکف حرام است: (۱) امور شهویّه مربوط به زنان، مثل آمیزش، لمس کردن

(۱) داستان و عمل امّ داود، در بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹۸، کتاب اعمال السنین و الشهور، باب ۲۶، باب عمل خصوص لیلۃ النصف من رجب و یومها... نیز ذکر گردیده است.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۶

و بوسیدن از روی شهوت؛ ولی نگاه التذادی به همسر حرام نیست؛ هر چند احتیاط آن است که از آن اجتناب کنند. (۲) استمناء بنا بر احتیاط. (۳) بو کردن عطر و ریحان (سبزی‌ها و گل‌های خوشبو) اگر با لذت باشد. (۴) خرید و فروش؛ ولی اگر برای غذا و نیازهای روزانه ناچار باشد و نتواند کسی را وکیل در خرید کند، می‌تواند به مقدار حاجت خرید کند و حرام نیست. (۵) بحث و جدال در مسائل دنیوی، دینی و علمی، در صورتی که به قصد اظهار فضل و به منظور غلبه بر مخاطب باشد؛ ولی چنانچه به قصد اثبات حق و اظهار مطلب علمی باشد، مانعی ندارد.

مبطلات اعتکاف

چیزهایی که اعتکاف را باطل می‌کند، عبارت است از: (۱) تمام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، اگر در روز واقع شود، اعتکاف را باطل می‌کند؛ (مبطلات روزه، در صورتی که در روز اتفاق بیفتد، مبطل اعتکاف نیز می‌باشد.)

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۷

چون شرط صحّت اعتکاف، روزه است و هرگاه روزه باطل شد، اعتکاف نیز قهراً باطل می‌شود. (۲) مطلق آمیزش مبطل است، چه در روز واقع شود و چه در شب. همچنین لمس و تقبیل اگر از روی شهوت باشد، اعتکاف را باطل می‌کند؛ و بنا بر احتیاط، ارتکاب سایر محرّمات نیز موجب بطلان اعتکاف می‌شود. اما چنانچه سهواً مرتکب یکی از محرّمات اعتکاف شدند، اعتکاف باطل نمی‌شود؛ مگر آمیزش که اگر سهواً نیز

انجام شود، اعتکاف نیز باطل می‌شود. یادآوری چنانچه اعتکاف را به یکی از مبطلات باطل کردند، در صورتی که آن اعتکاف واجب بوده، واجب است آن را قضا کنند؛ و همچنین در صورتی که مستحب بوده، ولی بعد از دو روز اول آن را باطل کنند؛ اما اگر اعتکاف، اعتکاف مستحب بوده و در دو روز اول آن را باطل کردند، قضا ندارد. در ضمن، در مواردی که قضای اعتکاف واجب می‌شود، واجب نیست فوراً قضای آن را بجا آورند.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۸

کفاره باطل کردن اعتکاف

اگر اعتکاف واجب را با آمیزش باطل کردند، کفاره بر آنها واجب می‌شود؛ و کفاره باطل کردن اعتکاف، مثل کفاره باطل کردن روزه ماه رمضان است. اما اگر آن را با ارتکاب سایر محرّمات باطل کردند، بنا بر احتیاط مستحب، کفاره دارد و کفاره آن نیز مثل کفاره باطل کردن روزه است. البته درباره اعتکاف مسائل زیادی وجود دارد که در کتب مربوطه بیان شده است و چون کمتر مورد ابتلا بوده و بنای این جزوه بر اختصار است، لذا از آنها صرف نظر کردم.

فوائد و اثرات اعتکاف

این عبادت - علاوه بر این که تأسی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و دارای ثواب عظیم می‌باشد - اثر عمیقی در تصفیه روح می‌گذارد، انسان را متوجه پروردگار می‌کند و موجب توجه مخصوص به معنویات و عالم آخرت می‌شود. زیرا، در اعتکاف، دوری از مسائل دنیا و مادیات و زندگی حیوانی و امور شهوانی محقق می‌شود؛ و انسان ارتباط خود را با

اعتکاف و احکام آن، ص: ۲۹

خانه، همسر، فرزند و سایر مظاهر و علایق دنیوی قطع، و در مقابل، ارتباطش را- با بودن در خانه خدا، با گرفتن روزه و اشتغال به تلاوت قرآن و دعا- با خالق خود هرچه بهتر و بیشتر برقرار می‌کند؛ به خصوص اگر عمل امّ داود و آن سوره‌ها و دعاها را در فضای معنوی اعتکاف، با کمال توجه و اخلاص بخواند و به پایان برساند.

آداب اعتکاف

اشاره

برخی از آداب اعتکاف در ضمن یکصد پرسش و پاسخ همین جزوه آمده است، ولی مناسب دیدم علاوه بر آنها تذکر دیگری نیز بدهم. از آنجا که مراسم اعتکاف در مساجد و به صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شود، لازم است اعتکاف‌کنندگان به وظایف اجتماعی و حقوق دیگران بیشتر توجه داشته، و آداب دعا و عبادات دسته‌جمعی را بهتر رعایت کنند. چه آن که رعایت حال دیگران در هنگام استراحت و در رفت و آمدها و به خصوص در هنگام خواندن دعاها لازم و ضروری است؛ و عقل، عرف و شرع بر آن سفارش اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۰ و تأکید دارد. در این رابطه دو مطلب بیشتر سفارش شده است: ۱- کیفیت دعا خواندن. ۲- رعایت حقوق دیگران.

مطلب اول: بهترین دعاها، دعای با خشوع و پنهانی است

راجع به خواندن دعا در حال خشوع و بطور آهسته و پنهان، خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَسَّمَّ يُجِيبُ الْمُعْتَدِينَ» «۱» «خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید که خداوند هرگز تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». همچنین خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده

است: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ

(۱) اعراف، آیه ۵۵.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۱

مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصِلِ وَالْاِتِّكِنُ مِنَ الْغُلْفِ اِفْلِينَ» (۱) «یاد کن خدای خود را در دل خود، با تضرع و زاری و پنهانی و بی آن که صدا بلند کنی؛ و در صبح و شام او را یاد کن». از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرموده‌اند: «خَيْرُ الدُّعَاءِ (الذِّكْر) الْخَفِيُّ وَ خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي»

«۲»؛ بهترین دعا و ذکر دعایی است که در خفا و به طور پنهانی انجام شود و بهترین روزی آن است که به اندازه کفاف باشد. از حضرت رضا علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود:

«دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً»

«۳»؛ یک دعا پنهانی بنده، معادل هفتاد دعا علنی است.

(۱) اعراف، آیه ۲۰۵.

(۲) نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۱.

(۳) کافی، ج ۲، باب اخفاء الدعاء، ص ۴۷۶.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۲

و نیز فرموده‌اند:

«دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا»

«۱»؛ یک دعا مخفی نزد خدا از هفتاد دعا علنی بافضیلت تر است. همچنین روایت شده است که: مردم با صدای بلند دعا می‌خواندند و ذکر می‌گفتند، که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای مردم، به خود آید (توجه و فکر کنید)، ناشنوا و

غایب را که نمی خوانید!، بلکه کسی را می خوانید که شنوا و نزدیک و با شما است.
 «۲»

(۱) همان.

(۲) عن أبي موسى قال: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ فِي سَفَرٍ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَجْهَرُونَ بِالْتَكْبِيرِ: فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، ارْبَعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، أَنْكُمْ لَيْسَ تَدْعُونَ اصْمَ وَ لَا غَائِبًا، اَنْكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا وَ هُوَ مَعَكُمْ» (صحيح مسلم، كتاب الذكر و الدعاء و التوبه، باب ۱۳: خفض الصوت بالذكر، ح ۳۷۰۳ و المصباح المنير، ص ۴۸۱ نقلًا عنه و عن فتح الباری).
 اعتكاف و احكام آن، ص: ۳۳

مطلب دوم: رعایت حقوق مردم مقدم بر حق اللّٰه است

راجع به لزوم رعایت حقوق دیگران، از آیات و روایات فوق الذکر روشن شد که دعای آرام و آهسته به مراتب افضل از خواندن دعا با صدای بلند و به صورت دسته جمعی و با ایجاد مزاحمت برای دیگران است؛ و رعایت حقوق مردم، از دعا خواندن با سر و صدا مهمتر بوده، و از روایات استفاده می شود که حقّ الناس مقدم بر حقّ اللّٰه است. خداوند متعال راضی نیست با خواندن دعای با سر و صدا، دیگران ناراحت شوند و حواس سایرین پرت شود.
 چگونه می خواهیم با دعایی که مرضیّ خدا نیست، رضایت او را جلب و به وسیله آن به بارگاهش راه یابیم؟!

نتیجه

از آنچه بیان شد، معلوم گردید دعای مرضیّ خداوند سبحان، دعایی است که آرام، مخفی و همراه با خشوع و خضوع و خالی از هرگونه ریا و خودنمایی باشد. بهترین

دعا، دعایی است که موجب تزییع حقوق دیگران و

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۴

حواس پرتی سایرین نشود. بر این اساس، لازم است معتکفان محترم از هر گونه سر و صدا، به خصوص دعا‌های دسته جمعی که موجب ناراحتی دیگران می‌شود، پرهیز کنند؛ دعا را که اصل عبادات است، به تظاهرات مبدل نسازند، و از شورآفرینی و هیجان‌های بی‌مورد خودداری کنند؛ هنگام دعا در حال و هوای خویش باشند، و با وقار و حضور قلب و توجه به خدا دعا کنند. از هر گونه رفتار و دعایی که موجب اعتراض دیگران می‌شود، پرهیز کنند. از خواندن دعا به صورت دسته‌جمعی و شعار گونه جداً خودداری کنند و به سایرین نیز تذکر دهند. «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذُّكْرَ يُنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» امام هادی علیه السلام فرمودند:

«المؤمنُ يُحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثٍ، تَوْفِيقُ مِنَ اللَّهِ وَوَاعِظٌ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولٌ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ»
؛ مؤمن، به توفیق الهی و واعظ درونی و حس نصیحت‌پذیری محتاج است. «۱»

(۱) تحف العقول، احادیث امام هادی علیه السلام.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۵

کلام آخر آن که این جزوه در سفر زیارتی مشهد مقدس در تابستان ۱۳۸۵، مطابق با ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۲۷، در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام اصلاح و آماده برای چاپ شده است؛ و ما توفیقی إلا باللّٰه.

علی عطایی اصفهانی

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۶

یکصد پرسش و پاسخ در احکام اعتکاف طبق نظر مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت

اللّه العظمیٰ فاضل لنکرانی (دامت برکاته)

اشاره

برخی از این پرسش و پاسخ‌ها در جلد اوّل «جامع المسائل» و برخی در جلد دوّم آن آمده و منتشر شده است؛ قسمتی از آنها نیز در جلد سوّم آمده که آماده چاپ و انتشار است.

مسائل مربوط به مساجد برای اعتکاف

س ۱: آیا در مسجد جامع روستا یا قصبه، اعتکاف صحیح است؛ هر چند روستاها به هم نزدیک باشند؟

ج: اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و در مساجد جامع روستا هم صحیح است؛ و لو روستاها به هم نزدیک باشند.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۷

س ۲: آیا محوطه اطراف مسجد که به عنوان حیاط استفاده می‌شود، برای اعتکاف حکم مسجد را دارد؟

ج: محوطه و حیاط مسجد حکم مسجد را ندارد.

س ۳: با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد، آیا صرف غذا در سالن غذاخوری که در محوطه مسجد است، برای معتکفین جایز است؟

ج: صرف غذا در محوطه مسجد به مقدار ضرورت جایز است و ضرری به صدق اعتکاف نمی‌زند.

س ۴: آیا در تهران بزرگ در مسجد جامع هر محله می‌توان اعتکاف کرد؟

ج: یکی از شرائط صحّت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد، یعنی مسجد عمومی که محل اجتماع عامّه مردم است و اختصاص به اهل یک محله و گروه خاصی نداشته باشد، مثل مسجد اعظم و مسجد امام در قم و مسجد امام و مسجد جمعه در تهران و امثال آن. بنا بر این، در مسجد محله‌ها اگر صدق کند که مسجد جامع است،

اعتکاف صحیح است و گرنه صحیح نیست، بلی در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سائر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می شود می توان به قصد رجاء معتکف شد.

س ۵: آیا در حال اعتکاف می توان در صحن و حیاط مسجد

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۸

توقف کرد؟

ج: اگر صحن و حیاط مسجد به گونه ای است که در آن نماز می خوانند و عرفاً مسجد

محسوب می شود، می توان در آن توقف کرد؛ و گرنه نباید در آن توقف کرد.

س ۶: آیا اگر معتکفی از محیط اعتکاف خوشش نیاید می تواند در وسط اعتکاف،

اعتکافش را به مسجد دیگری انتقال دهد؟

ج: خیر، اعتکاف باید در یک مسجد انجام شود.

س ۷: مسجد معروف و جامعی تا چند سال پیش محل اقامه نماز جمعه بود، اما حالا

دیگر محل اجتماع اقشار مختلف مردم نمی باشد و معمولاً کسانی که در آن حوالی

زندگی یا کار می کنند، در آنجا اقامه نماز می کنند؛ آیا آن مسجد، مسجد جامع

محسوب می شود و آیا اعتکاف در آن صحیح است؟

ج: ملاک آن است که فعلاً مسجد جامع تلقی شود.

س ۸: آیا اعتکاف صرفاً در مسجد جامع باید برگزار گردد یا در دیگر مساجد شهر هم

قابل برگزاری است؟

ج: اعتکاف لازم است در مسجد جامع باشد و در سایر

اعتکاف و احکام آن، ص: ۳۹

مساجد صحیح نیست.

بلی در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سائر مساجدی که سه وعده نماز

جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می شود می توان به قصد رجاء معتکف شد.

- س ۹: مراد از مسجد جامع چیست؟ آیا صرفاً به مساجدی اطلاق می‌گردد که از قدیم به نام مسجد جامع شهرت داشته‌اند و یا شرایط و ویژگی‌های دیگری را باید داشته باشد؟
- ج: مسجد جامع، مسجدی است که به افراد خاص یا محلّ خاصی اختصاص نداشته باشد و همه مردم آن منطقه در آن آمد و شد داشته باشند و ملاک، زمان حال است و اگر مسجدی از جامع بودن خارج شده باشد، دیگر نمی‌توان در آن اعتکاف کرد.
- بلی در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سائر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می‌شود می‌توان به قصد رجاء معتکف شد.
- س ۱۰: نظر به استقبال کم نظیر اقشار مختلف و آثار و برکات معنوی و تربیتی اعتکاف و ظرفیت محدود مساجد، آیا می‌توان به حکم ضرورت در دیگر مساجد چون مسجد محل، بازار و دانشگاه‌ها اعتکاف را برگزار نمود؟
- ج: خیر، اعتکاف را در سایر ایام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید.
- بلی در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سائر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می‌شود می‌توان به قصد رجاء معتکف شد.
- س ۱۱: آیا بنا بر اضطرار و عدم ظرفیت مساجد شهر می‌توان در مصلای شهر که محل اقامه نماز جمعه می‌باشد، اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۰
- اعتکاف را برگزار نمود؟
- ج: خیر، اعتکاف را در سایر ایام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید.
- س ۱۲: اگر منطقه‌ای دارای مسجد نباشد، آیا امکان برگزاری اعتکاف در مکان‌های دیگری چون حسینیه، زینیه و یا مهدیه وجود دارد؟
- ج: خیر، جایز نیست.
- س ۱۳: اگر شخصی در مسجد، جای فرد دیگری را غصب کرد و معتکف شد، آیا اعتکافش باطل است؟

ج: باطل نیست، هر چند مرتکب خلاف شده است.

س ۱۴: معتکف مکان معینی از مسجد را برای اعتکاف اختیار کرده است، آیا در اثنای آن می تواند جای خود را عوض کند و در مکان دیگری از همان مسجد اعتکاف را ادامه دهد؟

ج: بلی، می تواند.

س ۱۵: چنانچه مسجد جامع دارای طبقه پایین (زیر زمین) و بالا باشد، آیا اعتکاف در آنها صحیح است؛ و اگر صحیح است، آیا می توان در اثنای اعتکاف از طبقه همکف، مثلاً به

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۱

طبقه پایین یا بالا رفت؟

ج: اعتکاف در همه جای مسجد جامع صحیح است و جایجا شدن ذکر شده در سؤال اشکال ندارد.

س ۱۶: آیا اعتکاف روی بام مسجد جامع صحیح است؟ و آیا در اثنای اعتکاف

می تواند برای دعا، و یا استراحت روی بام مسجد توقف کنند؟

ج: بلی، می توانند و صحیح است.

س ۱۷: اعتکاف در راهرو و متعلقات مسجد جامع چه صورتی دارد؟

ج: چنانچه راهرو و متعلقات مسجد جزء مسجد محسوب باشد که عرفاً از مسجد تلقی

شود و احکام مسجد بر آن مترتب کنند، اعتکاف در آنها، مانع ندارد و الا صحیح

نیست؛ و اگر هم شک دارند که جایی جزء مسجد است یا نیست، اعتکاف در آن

صحیح نیست.

شرایط صحت اعتکاف

س ۱۸: آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد می‌تواند معتکف شود؟ و اگر در حال اعتکاف باشد و روزه

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۲

نگیرد، ثوابی می‌برد؟

ج: اعتکاف بدون روزه صحیح نیست؛ ولی ماندن در مسجد ثواب دارد، به خصوص اگر مشغول عبادت و دعا باشد.

س ۱۹: آیا زن‌ها هم می‌توانند معتکف شوند؟ و اگر در روزهای عادت قرص بخورند و معتکف شوند، چه صورت دارد؟

ج: بلی، می‌توانند و مصرف قرص برای جلوگیری از عادت اگر ضرر نداشته باشد،

مانعی ندارد؛ و اعتکاف آنان جایز و صحیح است. البته در صورتی که اعتکاف زن با

حق شوهر منافات داشته باشد، باید با اذن شوهر باشد؛ و گرنه صحیح نیست.

بطور کلی خروج زن از منزل شوهر بدون اذن او جایز نیست لذا اعتکاف در مسجد که خارج از منزل است باید با اجازه شوهر باشد.

س ۲۰: آیا اعتکاف به صورت خانوادگی جایز است؟

ج: مانعی ندارد.

س ۲۱: کسی که به قصد معتکف شدن وارد مسجد می‌شود، اما تا اذان صبح خواب

بوده و نیت اعتکاف نکرده، آیا اعتکافش صحیح است؟

ج: بلی.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۳

س ۲۲: آیا غسل روز ۱۵ رجب برای معتکف واجب است؟

ج: خیر.

س ۲۳: آیا مستحاضه کثیره یا متوسطه می‌تواند معتکف شود؟

ج: مانعی ندارد.

س ۲۴: آیا طفل ممیز می تواند اعتکاف کند و آیا عمل او صحیح است؟

ج: بلی، می تواند و عملش صحیح است.

س ۲۵: آیا اعتکاف به نیابت از اموات یا احیاء صحیح است؟

ج: اعتکاف به نیابت از اموات صحیح است، ولی به نیابت از احیاء مشکل است؛ البته رجاء مانعی ندارد.

س ۲۶: آیا شخص می تواند یک اعتکاف را به نیابت از چند نفر انجام دهد؟

ج: خیر؛ ولی می تواند برای خودش اعتکاف کند و ثواب آن را به هر چند نفر که مایل بود، از اموات و احیاء هدیه کند.

س ۲۷: آیا فرزند می تواند بدون اذن پدر و مادر اعتکاف کند؟

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۴

ج: اگر اعتکاف او موجب اذیت پدر و مادر باشد، جایز نیست؛ و اِلّا مانعی ندارد.

س ۲۸: آیا زن می تواند بدون اذن شوهر اعتکاف کند؟

ج: اگر اعتکاف زن با حقّ شوهرش منافات داشته باشد، اعتکاف بدون اذن شوهرش جایز نیست؛ و اِلّا مانعی ندارد.

بطور کلی خروج زن از منزل شوهر بدون اذن او جایز نیست لذا اعتکاف در مسجد که خارج از منزل است باید با اجازه شوهر باشد.

س ۲۹: در مواردی که اعتکاف را باطل کرده و باید آن را قضا کند آیا قضای آن

فوری است؟

ج: خیر؛ ولی تأخیر آن بطوری که بی اعتنائی به واجب شرعی شود، جایز نیست.

س ۳۰: آیا اذن شوهر برای اعتکاف زن لازم است؟ اذن پدر و مادر و صاحب کار

چطور؟

ج: اذن شوهر نسبت به زن در صورتی که اعتکاف او منافات با حق شوهرش داشته

باشد، و اذن پدر و مادر نسبت به فرزند، اگر اعتکاف او مستلزم اذیت آنها باشد و اذن

اجیر از مستأجر، در صورتی که در وقت عمل به اجاره بخواهد معتکف شود و اعتکاف او منافات با عمل به اجاره داشته باشد، لازم است.

بطور کلی خروج زن از منزل شوهر بدون اذن او جایز نیست لذا اعتکاف در مسجد که خارج از منزل است باید با اجازه شوهر باشد.

س ۳۱: شخصی اجیر است و می خواهد اعتکاف کند، آیا

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۵

باید از صاحب کارش اجازه بگیرد و با اذن باشد؟

ج: اگر در روزها و ساعات معین اجیر شده و اعتکاف او مانع از عمل به اجاره است، بدون اذن صاحب کار اعتکاف صحیح نیست و باید اذن بگیرد.

مسائل نیت اعتکاف و روزه

س ۳۲: شخصی که قضای اعتکاف سال گذشته بر عهده او می باشد و در وسط اعتکاف

امسال یادش می آید، آیا می تواند نیت اعتکاف خود را به قضا برگرداند؟

ج: خیر؛ تغییر نیت اعتکاف، در بین آن جایز نیست.

س ۳۳: آیا در قضای اعتکاف می توان نیت روزه های اعتکاف را به نیت روزه های

قضای ماه مبارک رمضان گرفت؟

ج: بلی، مانعی ندارد.

س ۳۴: کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیت اعتکاف گرفته است و اعتکاف

او مستحبی است و روزه واجب به عهده دارد، حکم اعتکاف او و روزه هایش چیست؟

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۶

ج: اعتکاف او باطل است. البته اگر فراموش کرده است که روزه واجب دارد، روزه و

اعتکاف او صحیح است.

س ۳۵: کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیت اعتکاف گرفته است و اعتکاف

او واجب است و از قبل روزه واجب به عهده دارد، حکم اعتکاف او و روزه‌هایش چیست؟

ج: باید نیت روزه‌های قضای خود را بنماید و اعتکاف او صحیح است.

س ۳۶: کسی که قضای اعتکاف به عهده دارد، اگر نیت اعتکاف مستحبی کرده باشد، آیا اعتکافش صحیح است؟

ج: بلی.

س ۳۷: معلمی که فقط ۹ ماه تحصیلی را کار می‌کند و محل کارش شیراز است، آیا

می‌تواند در فصل تعطیلی کار در شیراز اعتکاف کند؟ یا حکم مسافر را دارد؟

ج: اگر در کمتر از هر ده روز یک سفر دارد، مانعی ندارد؛ و گرنه قصد اقامت ده روزه لازم است.

س ۳۸: معتکفی که روز اول حالش بد است و تصمیم می‌گیرد فردا را روزه نگیرد، ولی

روز دوم حالش خوب

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۷

بوده است، آیا به اعتکافش خللی وارد شده است؟

ج: خیر.

س ۳۹: اینکه «معتکف می‌تواند در نیت خود شرط کند که اگر عذری برایش پیش

آمد، از اعتکاف دست بکشد حتی در روز سوم»، عذر در اینجا کدام عذرها را شامل

می‌شود؟ آیا عذر فقط عذر شرعی و عقلانی است؟

ج: هر عذری که حین شرط مدّ نظر بوده است یا عرفاً عذر مانع از استمرار اعتکاف

شود.

س ۴۰: مسافری که نیت نذر اعتکاف کرده است، آیا می‌تواند روزه‌های اعتکاف را به

نیت روزه‌های قضای ماه مبارک رمضان بگیرد؟

ج: خیر، در فرض سؤال نمی‌تواند روزه قضا بگیرد.

س ۴۱: مسافری که نیت نذر اعتکاف را کرده، در روز سوّم اعتکاف برایش کاری پیش آمده است، آیا می‌تواند به شهرش برگردد؟ حکم اعتکافش چیست؟ آیا باید قضای اعتکاف را به جا آورد؟ آیا کفاره دارد؟

ج: اگر ضرورت داشته باشد، مثل سایر افراد می‌تواند اعتکاف را ترک کند؛ ولی باید آن را قضا کند و کفاره ندارد.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۸

اما چنانچه کار ضروری ندارد؛ نباید اعتکاف را ترک کند.

س ۴۲: مسافری که در شهرش نذر اعتکاف یا نذر روزه در ایّام البیض را نکرده است، آیا می‌تواند در حال مسافرت نیت کند؟ چنین شخصی چگونه در شهر دیگر می‌تواند معتکف شود؟

ج: خیر، بنابر احتیاط نمی‌تواند در غیر وطن نذر روزه در سفر را بکند؛ ولی می‌تواند با اقامت ده روز معتکف شود.

س ۴۳: کسی که نذر کند سه روز را روزه بگیرد می‌تواند با همین نیت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟

ج: اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد.

س ۴۴: کسی که نذر اعتکاف کند، می‌تواند با همین نیت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟

ج: اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد.

س ۴۵: کسی که در روز سوّم اعتکاف حیض شود و در نیت خود شرط نکرده است که اگر عذری پیش آید دست از

اعتکاف و احکام آن، ص: ۴۹

اعتکاف بکشد، آیا قضا یا کفاره اعتکاف بر او واجب است؟

آیا قضای روزه روز سوّم بر او واجب است؟ وظیفه‌اش چیست؟

ج: خیر، در فرض سؤال، کفّاره و قضا ندارد. بلی اگر مطلق اعتکاف (نه در خصوص آن سه روز) بر او واجب بوده، مثل اینکه نذر مطلق کرده باشد، باید آن را قضا کند. س ۴۶: چنانچه به نیابت از غیر معتکف بشوند، آیا باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص که به نیابتش اعتکاف کرده‌اند، بگیرند یا لازم نیست؟ ج: بلی، به نظر آقا لازم است.

س ۴۷: آیا شخصی که قصد اعتکاف دارد می‌تواند روزه‌های ایّام اعتکاف را روزه استیجاری نیت کند؟

ج: کفایت روزه استیجاری محلّ تأمل و اشکال است.

س ۴۸: آیا شخص می‌تواند برای اعتکاف اجیر شود؟ و اگر صحیح است روزه اعتکاف را به نیت چه کسی بگیرد؟

ج: اجیر شدن برای اموات اشکالی ندارد و روزه آن را

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۰

طبق اجاره، می‌توانند به نیابت همان میّت که به نیابتش معتکف می‌شوند، بگیرند؛ ولی اجیر شدن به نیابت احياء مشکل است؛ هرچند رجاء مانعی ندارد؛ بنابراین روزه آن را نیز رجاء و به نیابت او بگیرند، اشکال ندارد.

س ۴۹: شخصی نذر کرده ۳ روز روزه مستحبی در سفر بگیرد، آیا می‌تواند در مکه معظمه، یا در مشهد و غیر آن که مسافر است، اعتکاف کند و آن ۳ روز روزه نذری را بگیرد؟

ج: بلی، چنانچه در وطن نذر کرده که در سفر ۳ روز روزه بگیرد، می‌تواند در سفر، در هر شهری که مسجد جامع وجود دارد، اعتکاف کند و روزه‌ها را بگیرد.

س ۵۰: در نیابت از احياء که رجاء انجام می‌شود، آیا می‌توانند روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند؟

ج: مثل خود اعتکاف، رجاء می‌توانند به نیابت از همان شخص روزه بگیرند. «۱»

س ۵۱: اگر از روی اشتباه برای اعتکاف واجب نیت

(۱) همانگونه که در طواف به نیابت احیاء نماز طواف را نیز به نیابت از همان احیاء می خوانند (چون به تبع طواف و نماز طواف است و مستقل نیست) و صحیح است. اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۱
استحباب نماید یا بالعکس تکلیف چیست؟
ج: اشکال ندارد.

مسائل خروج معتکف از مسجد (بطلان اعتکاف)

س ۵۲: آیا روحانی که معتکف شده است، می تواند برای امامت جماعت به مسجد دیگر و یا منبر در محل دیگر برود و به محل اعتکاف برگردد؟
ج: خروج معتکف برای این امور که معمولاً صورت اعتکاف بهم می خورد، جایز نیست؛ ولی در خصوص نماز جمعه به مقدار لازم برای امام یا مأموم اشکال ندارد.
س ۵۳: آیا کارمندان و معلمین می توانند معتکف شوند و سر کلاس و محل کار رفته و سپس به مسجد برگردند؟
ج: معتکف باید در مسجد بماند و خروج او برای کارهای ضروری مثل تطهیر و امثال اینها مانعی ندارد، ولی برای کار و شغل نباید خارج شود.
س ۵۴: معتکف در روز سوّم اعتکاف برای غسل مستحبی از مسجد خارج می شود، آیا اعتکاف باطل می شود یا خیر؟ بر فرض بطلان، تنها قضا لازم است یا کفّاره هم لازم می باشد؟

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۲

ج: اعتکاف باطل نمی شود.

س ۵۵: آیا شخص معتکف می تواند برای شرکت در نماز جمعه از مسجد محل

اعتکاف خارج شود؟

ج: ظاهراً مورد سؤال، از مواردی است که می‌توان خارج شد؛ ولی باید حد اقل زمان لازم را رعایت کند و در رفت و آمد به احتیاط مستحب زیر سایه نرود.

س ۵۶: آیا معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود و خرید کند؟ آیا بین جنس ضروری و غیر ضروری فرقی هست؟

ج: خروج از مسجد فی نفسه حرام نیست؛ بلکه بیرون رفتن شرط صحّت اعتکاف است که اگر بدون ضرورت خارج شوند- هر چند مدّتی کم باشد- موجب بطلان اعتکاف می‌شود؛ و در صورت ضرورت، اگر طولانی نشود مانعی ندارد، و خرید و فروش در حال ضرورت اشکال ندارد.

س ۵۷: اگر فرض سابق بدون اشکال است، آیا کسی که برای خرید جنس خود به بیرون مسجد می‌رود، می‌تواند برای یکی از معتکفین هم خرید کند؟

ج: در مقام ضرورت و عدم امکان توکیل مانعی ندارد.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۳

س ۵۸: آیا شستن لباس به عمد یا غیر عمد در بیرون از مسجد باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: ملاک ماندن در بیرون از مسجد است، نه لباس شستن؛ و اگر بیرون رفت، احکام بیرون رفتن از مسجد را دارد.

س ۵۹: بیشترین حدّی که معتکف برای کار ضروری می‌تواند در بیرون از مسجد باشد و در اعتکاف او خللی وارد نشود، چند ساعت می‌باشد؟

ج: عرفی است؛ و مقداری که عرفاً صدق اعتکاف نکند، مبطل است حتّی اگر ضرورت باشد.

س ۶۰: معتکفی که در ایّام اعتکاف کلاس یا امتحانی دارد که اگر در آن شرکت نکند یک ترم عقب می‌افتد، آیا این مسأله برای خروج از مسجد ضرورت محسوب می‌شود؟

ج: خیر، از ابتدا نباید معتکف شود.

س ۶۱: آیا معتکف هنگام اذان مغرب روز سوّم حتماً باید در مسجد باشد؟

ج: معتکف باید تا مغرب در مسجد بماند.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۴

س ۶۲: معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می‌آید و

باید از مسجد خارج شود، اگر در هنگام اذان مغرب روز سوّم در مسجد نباشد، آیا

اعتکاف او صحیح است؟

ج: اگر مجوّز خروج داشته باشد، مانعی ندارد.

س ۶۳: معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می‌آید و

حدود ۵ یا ۱۰ دقیقه قبل از اذان روز سوّم کار او تمام شود، آیا باید خود را به مسجد

برساند؟

ج: بلی.

س ۶۴: آیا می‌توان برای غسل مستحبّی (حتی در روز سوّم اعتکاف مثلاً برای غسل روز

۱۵ رجب) از مسجد خارج شد؟

ج: بلی، اشکال ندارد.

س ۶۵: کسی که در روز سوّم از مسجد خارج شود و عمداً مدتی را از مسجد بیرون

بماند، آیا قضا یا کفّاره بر عهده اوست؟ حکم اعتکافش چیست؟

ج: بلی، اگر بدون عذر موجّه خارج شود، باید آن را قضا کند؛ ولی کفّاره واجب

نیست.

س ۶۶: کسی که در روز سوّم از مسجد خارج شود و غیر

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۵

عمد مدّتی را از مسجد بیرون بماند، آیا قضا و کفّاره بر عهده اوست؟ حکم اعتکافش

چیست؟

ج: اگر به مقداری باشد که صورت اعتکاف بهم بخورد، اعتکاف فاسد می شود و باید قضای آن را بجا آورد.

س ۶۷: آیا خیس کردن لباس یا دوش گرفتن در بیرون از مسجد بر اثر گرما یا عرق کردن، ضرورت محسوب می شود؟

ج: خیر، مگر این که موقعیت حادثی باشد که بدون آن احتمال خطر جانی یا ضرر قابل توجهی باشد.

س ۶۸: برای وضوی مستحبی، یا شستن ظرف، یا شستن دست و یا مسواک زدن در مسجدی که حوض آن شلوغ است و یا این کارها باعث کثیفی محیط مسجد می شود، می توان به بیرون از مسجد رفت؟

ج: خیر.

س ۶۹: برای وضوی مستحبی، شستن ظرف، شستن دست و یا مسواک زدن در مسجدی که حوض ندارد، می توان به بیرون از مسجد رفت؟

ج: خیر.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۶

س ۷۰: کسی که برای کار ضروری از مسجد خارج می شود و دو راه را برای رسیدن به مقصد خود دارد، آیا ارجحیتی بین این دو راه وجود دارد؟

الف: مسیر راه در زیر سایه نیست، ولی راه طولانی تر از راه دوم است.

ب: مسیر راه در زیر سایه است، ولی راه کوتاه تر از راه اول است.

ج: مسیر کوتاه تر را انتخاب کند.

س ۷۱: کسی از مسجد بیرون می رود، هنگام بازگشت به مسجد هرچه درب می زند، در مسجد را باز نمی کنند و بیرون ماندن از مسجد، ۴ ساعت طول می کشد، آیا اعتکاف او

باطل می شود؟

ج: اگر عرفاً صورت اعتکاف بهم بخورد، اعتکاف فاسد می شود.

س ۷۲: توقّف در بیرون از مسجد برای سلام و احوالپرسی با معتکف یا افراد دیگر، آیا باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟
 آیا کار حرام انجام داده است؟
 اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۷
 ج: بلی، باعث بطلان می‌شود.

س ۷۳: آیا برای تجدید وضو می‌توان از مسجد خارج شد؟
 ج: فقط برای وضوی مستحب جایز نیست.

س ۷۴: کسی که باید برای نماز صبح تیمّم کند و دسترسی به آب ندارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح تیمّم کند و معتکف شود؟ و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟

ج: اگر اعتکاف بر فرد واجب معین نباشد، جایز نیست؛ و الا مانعی ندارد.

س ۷۵: کسی که شب قبل از اعتکاف در مسجد حاضر شده و نیاز به غسل پیدا کرده ولی به خاطر عدم امنیت نمی‌تواند به خارج از مسجد برای غسل برود، آیا می‌تواند تیمّم کند و معتکف شود و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟ (اگر جواب مثبت است، آیا چنین کسی برای اعتکاف و روزه و نماز صبح باید سه تیمّم جداگانه کند؟)

ج: اگر اعتکاف بر او واجب معین باشد، مانعی ندارد و یک تیمّم کافی است؛ و الاّ جایز نیست.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۸

س ۷۶: آیا مستحاضه (کثیره یا متوسطه) هر بار بعد از خروج ضروری از مسجد باید برای ورود به مسجد غسل کند؟

ج: خیر؛ همین که اغسال یومیّه را برای نمازها انجام دهد، کفایت می‌کند.

س ۷۷: آیا مستحاضه متوسطه یا کثیره برای روزه گرفتن و نماز صبح باید جداگانه

غسل کند؟

ج: همان غسل‌های واجب کفایت می‌کند، ولی بنا بر احتیاط واجب، باید غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد، بجا آورد.

س ۷۸: خارج شدن معتکف از مسجد به منظور تلفن زدن به خانواده و احوالپرسی چه صورت دارد؟

ج: اگر ضرورت دارد و طول نکشد، مانعی ندارد؛ اما اگر ضرورت ندارد، یا به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف بهم بخورد، نباید خارج شود.

س ۷۹: آیا می‌توان اعتکاف را بهم زد و در اثنا از مسجد خارج شد؟

ج: اگر واجب باشد یا روز دوّم تا مغرب اعتکاف کرده

اعتکاف و احکام آن، ص: ۵۹

است، نمی‌تواند آن را بهم بزند و اتمام واجب است. و الا مانعی ندارد.

مسائل محرّمات حال اعتکاف

س ۸۰: آیا شانه زدن و ناخن گرفتن در حال اعتکاف کراهت دارد؟

ج: اگر بدانند شانه زدن موجب ریختن مو می‌شود احتیاط مستحب است که شانه نزنند؛ همچنین احتیاط مستحب آن است که در حال اعتکاف ناخن نگیرند.

س ۸۱: آیا محرّمات اعتکاف باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟

ج: جماع و کارهایی که روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را باطل می‌کند؛ و سایر محرّمات بنا بر احتیاط مبطل است و احتیاط آن است که اعتکاف را تمام کنند، و اگر واجب بوده، آن را مجدداً انجام دهند.

س ۸۲: اظهار فضل بدون مجادله برای شوخی، آیا باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا

کار حرام انجام داده است؟

ج: خیر؛ حرام نیست، بلکه مکروه است.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۶۰

س ۸۳: آیا کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار باعث بطلان اعتکاف می‌شود و آن کار را انجام دهد، اعتکاف او باطل می‌شود؟

ج: بلی، باطل می‌شود.

س ۸۴: کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار در اعتکاف حرام است و آن کار را انجام دهد، آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: اگر نمی‌دانسته، عقاب ندارد.

س ۸۵: آیا استفاده از کِرم، پماد یا صابون بودار برای معتکفی که حسّ بویایی ندارد، اشکال دارد؟

ج: اشکالی ندارد.

س ۸۶: اگر بوی عطری که دیگران استعمال کرده‌اند به مشام معتکف برسد، آیا باید از رسیدن بو به بینی، جلوگیری کند؟

ج: بلی.

س ۸۷: اگر معتکفی در فرض سابق از رسیدن بو به بینی جلوگیری نکرده و طبیعتاً از آن بو لذت برده است، آیا اعتکاف او باطل است؟ آیا کار حرامی انجام داده است؟

ج: اگر بو نکرده، اعتکاف او باطل نیست؛ ولی اینکه جلوگیری نکرده، کار حرامی مرتکب شده و باید توبه کند.

اعتکاف و احکام آن، ص: ۶۱

س ۸۸: پماد چرب کننده یا مرطوب کننده پوست، آیا اعتکاف را باطل می‌کند؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: خیر؛ نه حرام است و نه اعتکاف را باطل می‌کند.

س ۸۹: اگر کسی صورتش را با صابون بودار بشوید، آیا باید جلوی تنفسش را بگیرد؟ ج: خیر؛ اما اگر بوی آن شدید است، باید آن بو را برطرف کند.

س ۹۰: اگر فردی برای اینکه مطمئن شود که صابون او بو می‌دهد یا نه، صابونش را بو کند و صابون او بودار باشد، آیا اعتکاف او باطل می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: خیر؛ باطل نمی‌شود و برای آزمایش هم حرام نیست.

س ۹۱: یکی از معتکفین به تصوّر اینکه بوییدن عطر فقط در حال روزه در اعتکاف اشکال دارد و بعد از افطار بوی عطر را استشمام کرده است، آیا این کار باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: در فرض سؤال که نمی‌دانسته است مرتکب حرام نشده، ولی بنا بر احتیاط واجب اعتکاف او باطل شده است؛

اعتکاف و احکام آن، ص: ۶۲

و در عین حال اعتکاف را تمام کند و اگر واجب بوده، مجدداً انجام دهد.

س ۹۲: آیا بوییدن عطر در اعتکاف باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: حرام بوده، و بنا بر احتیاط واجب اعتکاف را باطل می‌کند.

س ۹۳: آیا رسیدن عطر به بینی باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: بنا بر احتیاط اعتکاف را باطل می‌کند؛ ولی اگر بی‌اختیار باشد، حرام نیست.

س ۹۴: کسی که قبل از اعتکاف به لباس‌های خود عطر زده است، آیا برای اعتکاف باید لباس خود را عوض کند؟

ج: در صورتی که موجب بوییدن بوی خوش شود، باید عوض کند.

س ۹۵: آیا خوردن آدامس‌هایی با طعم‌های تند و بودار در اعتکاف اشکال دارد؟

ج: اگر صدق بوی خوش و استعمال عطر کند، حرام است.

س ۹۶: آیا بوییدن عرقیات بودار مثل گلاب و عرق نعنا یا خوردن آن یا رسیدن بوی

آن به مشام هنگام افطار در

اعتکاف و احکام آن، ص: ۶۳

اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: بلی؛ حرام بوده و بنا بر احتیاط واجب اعتکاف را باطل می‌کند؛ ولی اعتکاف را تمام و اگر واجب بوده، اعاده نماید.

س ۹۷: آیا استفاده از خمیردندان‌های بودار در اعتکاف اشکال دارد؟

ج: اگر صدق بوی خوش و استعمال عطر کند، حرام است؛ و بنا بر احتیاط، موجب بطلان اعتکاف نیز می‌شود، و مثل مسأله قبل عمل کند.

س ۹۸: آیا خرید و فروش (جنس ضروری و غیر ضروری) در اعتکاف باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ج: خرید و فروش بدون ضرورت از محرّمات اعتکاف است، و بنا بر احتیاط انجام آن موجب بطلان اعتکاف می‌شود.

س ۹۹: آیا می‌توان به کسی پول داد تا از مسجد خارج شود و برای معتکف خرید کند؟ آیا بین خرید جنس ضروری و

اعتکاف و احکام آن، ص: ۶۴

غیر ضروری فرقی است؟

ج: مانعی ندارد؛ مباشرت در خرید و فروش حرام است، اما توکیل در آن اشکال ندارد.

س ۱۰۰: مستدعی است مستحبات و آداب اعتکاف را بیان فرمایید؟

ج: مستحبات و آداب اعتکاف در جایی مفصلاً بررسی و بیان نشده است؛ در عین حال

بعضی از آنها عبارت است از این که: اعتکاف در ماه رمضان باشد، و بهتر است دهه

آخر ماه رمضان باشد؛ و نیز مستحب است آداب و مستحباتی که برای روزه ماه رمضان وارد شده، رعایت کنند؛ چشم و گوش و زبان و اعضاء و جوارح خود را از زشتی‌ها و

قبائح حفظ کنند؛ از خشم، غیبت، تهمت، حسد، نزاع و قیل و قال پرهیز کنند؛ از

غضب و پرخاشگری دوری نمایند، حلم و صبر و وقار و خشوع و خوف از خدا را پیشه کنند؛ از اهل شرّ و افراد غیر متقی فاصله بگیرند؛ به دعا و قرآن و ذکر خدا مشغول باشند؛ و غیر این‌ها از آدابی که در روایات برای روزه‌دار بیان شده است.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، اعتکاف و احکام آن، در یک جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه ق